



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۰۸

نویسنده: ن. جلیل زاد

مشروطیت، آگاهی تاریخی و هم پیمانی اقوام بازخوانی بنیادهای وحدت ملی در افغانستان

افغانستان، خانه مشترک ما و پیمان جاودانگی اقوام حرفی که بر هویت مشترک، ریشه های تاریخی و پیوندهای ناگسستنی اقوام تأکید می کند. مشروطیت، آگاهی و هم پیمانی اقوام است. راهی به سوی افغانستان متحد

گپی تاریخی که روح مشروطیت را با آرمان وحدت ملی پیوند می دهد. از هندوکش تا بلوچستان: روایت همسرنوشتی پشتون، تاجیک، هزاره، بلوچ و همه فرزندان وطن حرفی که جغرافیا، تاریخ و احساس ملی را در یک قاب جمع می کند.

در سپهر پرفرازونشیب تاریخ افغانستان، دو مفهوم «مشروطیت» و «وحدت ملی» نه صرفاً به مثابه اصطلاحات سیاسی، بلکه به عنوان تجلی آرمان های ژرف و دیرپای مردمانی ظهور یافته اند که در دل تکتز قومی و فرهنگی، همواره در جست وجوی همبستگی، عدالت و نظم مبتنی بر قانون بوده اند.

این دو مفهوم، در واقع، بازتاب وجدان تاریخی جامعه ای اند که با وجود گوناگونی زبانی، مذهبی و قومی، پیوسته کوشیده است تا خویشتن را در قالب یک هویت مشترک بازتعریف کند.

افغانستان را نمی توان صرفاً مجموعه ای از اقوام پراکنده تلقی کرد، بلکه این سرزمین، پیکره ای زنده و تاریخی است که هر یک از اجزای آن، پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، بلوچ، ترکمن، نورستانی و دیگر گروه ها، در شکل گیری آن سهمی انکارناپذیر داشته اند.

از ارتفاعات سترگ هندوکش تا دشت های خشک جنوب و از دره های سرسبز شرق تا گستره های غربی، نوعی روح مشترک جریان دارد که فراتر از مرزهای قومیت، همه را در یک سرنوشت تاریخی به هم پیوند می دهد.

در این میان، مشروطیت را باید نه تنها یک رخداد سیاسی، بلکه یک خیزش فکری و اجتماعی عمیق دانست، خیزشی که در پی آن بود تا مناسبات سنتی قدرت را دگرگون سازد، انسان تابع و «رعیت» را به «شهروند» بدل کند، و حاکمیت اراده فردی را به حاکمیت قانون مبدل نماید.

این تحول، به ویژه در دو دوره مهم مشروطه خواهی در افغانستان، بر دو ستون بنیادین استوار بود، نخست، بیداری و آگاهی عمومی، و دوم، هم پیمانی و همگرایی میان اقوام.

بررسی تاریخی نشان می دهد که پیشگامان این جنبش، اعم از روشنفکران، علما، شاعران، بازرگانان و کنشگران اجتماعی، از بسترهای متنوع قومی و زبانی برخاستند، اما در یک نقطه به هم رسیدند: ضرورت استقرار قانون و تحدید قدرت.

آنان به درستی دریافته بودند که بدون مشارکت همگانی، هیچ نظم پایداری شکل نخواهد گرفت و بدون همبستگی ملی، هیچ پروژه اصلاحی به سرانجام نخواهد رسید.

در این چارچوب، مشروطیت را می توان نخستین مکتب عملی وحدت ملی در افغانستان دانست، مکتب ای که در آن، اقوام مختلف نه بر اساس رقابت های هویتی، بلکه بر پایه اشتراکات سیاسی و اجتماعی گرد هم آمدند. این هم پیمانی، برخلاف بسیاری از ائتلاف های مقطعی تاریخ، بر مبنای درک عمیق از «سرنوشت مشترک» شکل گرفت، درکی که به روشنی بیان می داشت تضعیف هر بخش از جامعه، به تضعیف کل آن خواهد انجامید.

تجربه تاریخی افغانستان به وضوح نشان می دهد که وحدت، همواره پیش زمینه شکوفایی بوده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

در دوره هایی که همگرایی میان اقوام تقویت شده، این سرزمین به یکی از کانون های مهم تجارت، فرهنگ و تولید دانش در منطقه بدل گردیده است .

در مقابل، هر زمان که شکاف های داخلی تعمیق یافته، زمینه برای مداخله نیروهای بیرونی و ظهور بحران های درونی فراهم شده است.

در عصر حاضر، این درس تاریخی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است .

افغانستان امروز، در شرایطی قرار دارد که بازسازی اجتماعی و سیاسی آن، بدون اتکا به نوعی وحدت ملی آگاهانه و فراگیر، عملاً ناممکن خواهد بود .

این وحدت، نمی تواند صرفاً بر پایه شعارهای احساسی استوار باشد، بلکه باید بر بنیان شناخت متقابل، عدالت اجتماعی و مشارکت واقعی در ساختارهای قدرت شکل گیرد.

یکی از عناصر کلیدی در تحقق چنین وحدتی، بازشناسی نقش فرهنگ و ادبیات به عنوان پیونددهنده های اجتماعی است .

زبان های گوناگون این سرزمین، از پشتو و دری گرفته تا ازبکی و بلوچی، نه خطوط گسست، بلکه مجاری ارتباط و تفاهم اند .

میراث ادبی مشترک، که در آثار شاعران و اندیشمندان برجسته متجلی شده، حامل ارزش هایی است که فراتر از مرزبندی های قومی قرار می گیرند: انسان دوستی، عدالت خواهی و همزیستی.

وحدت ملی، در معنای عمیق خود، زمانی تحقق می یابد که هر فرد، فارغ از تعلقات قومی یا زبانی، خود را در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور سهیم بداند .

این امر مستلزم توزیع عادلانه فرصت ها، رفع تبعیض های ساختاری و ایجاد نهادهایی است که بازتاب دهنده تنوع جامعه باشند .

در چنین شرایطی، تفاوت ها نه تهدید، بلکه به مثابه منابعی برای غنا و پویایی اجتماعی تلقی خواهند شد .

از منظر نظری نیز، تجربه کشورهای چندقومیتی موفق نشان می دهد که مدیریت هوشمندانه تنوع، یکی از عوامل کلیدی توسعه پایدار است. افغانستان، با برخورداری از چنین تنوعی، در صورت اتخاذ رویکردی مبتنی بر شمول گرایی، می تواند این ویژگی را به سرمایه ای راهبردی بدل سازد .

هر قوم، همچون قطعه ای از یک موزاییک بزرگ، در تکمیل تصویر کلی هویت ملی نقش دارد، و حذف یا نادیده انگاری هر یک، به تضعیف این تصویر خواهد انجامید.

در این میان، مسئولیت نسل امروز، اهمیتی دوچندان می یابد .

این نسل، در برابر تاریخ و آینده، مأموریتی روشن دارد، انتقال مفهوم وحدت ملی از سطح گفتمان به عرصه عمل . این مأموریت، از طریق آموزش، گفت و گوی بین فرهنگی، تقویت نهادهای مدنی و ترویج فرهنگ مدارا قابل تحقق است.

در نهایت، می توان گفت که مشروطیت، با تأکید بر قانون گرایی و مشارکت مردمی، و وحدت ملی، با تأکید بر همبستگی و همدلی، دو رکن اساسی در شکل گیری آینده ای باثبات و شکوفا برای افغانستان اند .

این دو، نه مفاهیمی جداگانه، بلکه مکمل یکدیگرند.

قانون بدون وحدت، کارایی ندارد، و وحدت بدون عدالت و قانون، پایدار نخواهد ماند.

افغانستان، به عنوان خانه مشترک همه اقوام، نیازمند بازسازی یک «قرارداد اجتماعی» نوین است، قراردادی که در آن، همه خود را شریک بدانند و هیچ کس احساس حذف یا حاشیه نشینی نکند .

تنها در چنین چارچوبی است که می توان به آینده ای اندیشید که در آن، ثبات، توسعه و کرامت انسانی به طور هم زمان تحقق یابد.

سرانجام، باید اذعان داشت که آینده افغانستان، نه در انحصار یک قوم یا یک روایت، بلکه در گرو همگرایی تمامی صداها و تجربه هاست .

این آینده، زمانی روشن خواهد شد که همه با آگاهی از گذشته و مسئولیت نسبت به حال، دست در دست یکدیگر، در مسیر ساختن فردایی مشترک گام بردارند.

افغانستان، نه صرفاً یک جغرافیا، بلکه یک تعهد تاریخی است، تعهدی به همزیستی، به عدالت، و به ساختن جهانی که در آن، تفاوت ها نه مرز، بلکه پل باشند.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد

د پانو شمېره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ